جایگاه القا و لحن کلام در روند رشد کودک مبتنی بر ساختار کلام در قرآن کریم

فاطمه باقرصاد[1]
فاطمه فیاض[2]

چکیده

کلام به عنوان یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌های شناختی و ارتباطی، از نخستین مراحل رشد انسان شکل می‌گیرد و نقشی بنیادین در تحول روان‌شناختی و شناختی فرد ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی ـ استنباطی و روش اکسپرت پنل، به بررسی تأثیر مؤلفه‌های القا و لحن در فرایند رشد کودک بر مبنای مدل قرآنی کلام پرداخته است. در این راستا با توجه به جایگاه محوری کلام در رشد انسان از منظر قرآن، میزان اثرگذاری این دو مؤلفه در سه ساحت نطق، قول و کلام در دوره نخست رشد کودک تحلیل شده است. نتایج پژوهش نشان داد که مواجهه مداوم کودک با القا و لحن‌های طیب و مثبت، نقش قابل توجهی در تقویت امنیت روانی، شکوفایی عواطف و ارتقای ظرفیت‌های شناختی و زبانی ایفا می‌کند. در مقابل قرار گرفتن در معرض القا و لحن‌های غیرطیب و منفی، می‌تواند منجر به اختلال در رشد شناختی و عاطفی کودک شود و روند تکامل زبانی و اجتماعی وی را مختل کند. یافته‌های این پژوهش بر اهمیت سازوکارهای زبان‌شناختی و روان‌شناختی نهفته در کلام تأکید دارد و دلالت‌های مهمی برای حوزه‌های تعلیم و تربیت، رشد زبان و روان‌شناسی شناختی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: ساختار کلام، القا، لحن، مدل قرآنی کلام، رشد کودک، زبان‌شناسی رشد، روان‌شناسی زبان.

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی اسلامی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی اسلامی، دانشگاه معارف قرآن و عترت، اصفهان، ایران.(نویسنده مسئول) F.Baghersad@gmail.com

۲. استادیار، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران. f.fayyaz@alzahra.ac.ir

مقدمه

زبان را می‌توان به عنوان ابزاری در نظر گرفت که قادر به اجرای طیف وسیعی از کاربردهای روانی است. جریان آن نه تنها موازی با محتوای درونی آگاهی است؛ بلکه با آن در سطوح مختلف موازی می‌شود؛ از حالت ذهنی که تحت تسلط تصاویر خاص است تا حالتی که در آن مفاهیم انتزاعی و روابط آن‌ها به تنهایی در کانون توجه قرار دارند و معمولاً استدلال نامیده می‌شود(Stones, 1979, p.5). تکامل زبان(قوانین عمومی و مشترک ساخته‌شده) و گفتار (معنای کلامی ارتباط) از جنبه‌های اصلی تکامل در انسان و حاصل یکی از پیچیده‌ترین عملکردهای مغز محسوب می‌شود؛ به‌طوری که گاهی از آن به عنوان عالی‌ترین کارکرد قشر مغز یاد می‌شود(وامقی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲).

انسان‌ها از ابتدای زندگی در معرض فرکانس پایه (f0) قرار می‌گیرند که به عنوان زیر و بمی صدا درک می‌شود. این فرکانس اطلاعات گسترده‌ای از جمله اطلاعات زبانی (مانند لحن واژگانی) و فرازبانی (مانند نیت گوینده، احساسات) را حمل می‌کند (Liu & Götz & Lorette & Tyler, 2022, p.3). صورت گفتاری هر زبان، یکی از ویژگی‌های همگانی آن‌هاست(سلطانی، ۲۰۰۷، ص ۲) که در ساختار گفتار، انتقال نظر و معنای گوینده نقش بسزایی دارد. در واقع مشخصه‌های نوایی از جمله آهنگ در ایجاد ارتباط و انتقال معنی به قدری حائز اهمیت هستند که حذف آن‌ها می‌تواند به نوعی موجب اختلال در درک و یا انتقال مفهوم واقعی پیام شود. بنابراین آهنگ گفتار نقش بسیار مهمی در افزایش قابلیت فهم گفتار و انتقال صحیح مفهوم به‌ویژه در گفتار محاوره‌ای دارد(کرد و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۶). این مؤلفه مهم در کلام انسان، بر تغییرات زیر و بمی در گفتار و چگونگی تولید آن از سوی گوینده و دریافت آن از سوی شنونده نظارت دارد؛ یعنی شنونده را در فهم آنچه گوینده درصدد انتقال آن است، یاری می‌دهد(Roach, 1947, p.5). این تولید و دریافت توسط گویندگان و شنوندگان به طور ناخودآگاه و به شیوه‌ای نظام‌مند انجام می‌شود. به بیان دیگر گویندگان در بافت‌های زبانی یکسان، گفتاری با آهنگ یکسان تولید می‌کنند و شنوندگان نیز از گفتارهای تولیدشده در بافت‌های یکسان از سوی افراد متفاوت، معنای ثابتی را استنباط می‌کنند. این واقعیت حاکی از نظام‌مند بودن آهنگ زبان است(اسلامی، ۱۳۸۴، ص۷۷)

سیر تحولات دریافت و فهم لحن، از نوزادی تا پیش دبستانی به این صورت است که کودک در همان مقطع ابتدایی به صداهای مختلف واکنش نشان می‌دهد. نتایج پژوهش‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که نوزادان از همان ابتدای زندگی به فرکانس‌های پایه که به عنوان زیر و بمی صدا درک می‌شود، حساسیت دارند. همچنین نوزادان به صداهای آرام و ملایم واکنش بهتری نشان می‌دهند و این صداها می‌توانند به کاهش استرس و افزایش آرامش آن‌ها کمک کنند(Kim, 2016, p.3). درک نوزادان از زیر و بمی و لحن، به زبان مادری آن‌ها اختصاص می‌یابد که به تمایز صداهای گفتاری کمک می‌کند. این تغییرات درک به نوزادان کمک می‌کند تا به تدریج به زبان مادری خود مسلط شوند(Fort & Butler, 2018, p.154). لحن به انتقال احساسات و نیت‌ها در گفتار کمک می‌کند و نوزادان نیز از همان ابتدا شروع به شناسایی آن می‌کنند. نوزادان از طریق لحن می‌توانند احساسات مختلف مانند شادی، غم و عصبانیت را تشخیص دهند(Johnson & Seidl, 2009. P.4).

کودکان پیش‌دبستانی هنوز در حال توسعه توانایی‌های خود در استفاده از لحن‌های مختلف هستند. آن‌ها به تدریج توانایی استفاده از لحن‌های پیچیده‌تر را کسب می‌کنند و می‌توانند در موقعیت‌های مختلف، از آن‌ها به درستی استفاده کنند. کودکان زیر شش سال هنوز توانایی کامل برای پردازش کلمات با تأکید نواختی را ندارند. با این حال کودکان حدود پنج ساله، شروع به نشان دادن مزیت زمانی پردازش برای کلمات با تأکید معنایی می‌کنند که نشان‌دهنده توسعه ساختارهای معنایی جمله است(Cutler & Swinney, 1987, p.3). همچنین کودکان پیش‌دبستانی توانایی استفاده از نواخت برای بیان معانی پراگماتیک را توسعه می‌دهند. بر اساس یک مطالعه، توانایی‌های پراگماتیک نواختی کودکان با توسعه نظریه ذهن آن‌ها نیز مرتبط است(Pronina, 2021, p.2). باید توجه داشت که توانایی تولید لحن در کودکان پیش‌دبستانی به طور عمده تثبیت شده است، اما برخی تفاوت‌های عملکردی خاص تا سن ۸ سالگی به طور کامل شکل نمی‌گیرد(Wells & Peppé & Goulandris, 2004, p.4).

پژوهش حاضر در نظر دارد این جزء کلام را از منظری نوین و با رویکردی قرآنی مورد مطالعه قرار دهد. اخوت(۱۳۸۷ ـ ۱۴۰۲) به عنوان یکی از محققین قرآنی، با استفاده از

روش‌های تدبر در قرآن، مدل نظری جدیدی را در زمینه رشد انسان بر اساس رویکردی روشمند و طی پژوهش‌های متعدد، از قرآن و روایات استخراج کرده است.

مفهومی اصطلاحی رشد با آنچه در قرآن آمده است، تفاوت‌هایی دارد. رشد از این منظر، نتیجه سیر و حرکت انسان به سوی کمال است که تنها به او اختصاص دارد و او را از سایر مخلوقات متمایز می‌کند. رشد در علم روان‌شناسی تحولی، به معنای هر گونه پیشرفتی است که در آن اشاره‌ای به الهی یا غیر الهی بودن آن ندارد؛ در حالی که رشد در قرآن و روایات نه تنها پیوسته دارای بار مثبت است؛ بلکه به عنوان غایت هدایت به حساب می‌آید(اخوت، ۱۳۹۴ (الف)، ص ۸۳). وجود مراتب رشد بر اساس مراحل زندگی انسان است. بدین ترتیب می‌توان برای رشد متناسب با مراحل مختلف زندگی، مراتب قائل شد(اخوت، ۱۳۹۳، ص ۴۰). هر مرحله ناظر به طی کردن مسیرها و انجام برنامه‌هایی مشخص است که باید برای شکوفایی استعدادها و به دست آوردن توانمندی پیش برود(اخوت و قاسمی، ۱۳۹۶ (الف)، ص ۶۲). در مدل منظومه رشد قرآنی، کلام و اجزای آن که بر اساس ساختار کلام در آیات قرآن به دست آمده است، تعریف و جایگاه ویژه‌ای دارد و به عنوان شاخص رشد انسان در دوره اول یعنی کودکی محسوب می‌شود. مؤلفه‌های این ساختار شامل القا و لحن، اسم، فعل، قیود، عطف و فصل، سمت و سو و شرط و هشیاری در کلام است. در میان این مؤلفه‌ها، آهنگ گفتار به صورتی کامل‌تر و دقیق‌تر با عنوان «لحن و القا»، در گفتار والدین با کودک مورد توجه و بررسی قرار گرفته است.

لحن، فحوای کلام و اشارات غیر صریح کلام و همان روشی است که قرآن کریم در بنای ساختار گفتگوها از آن استفاده کرده و با لحن خطاب‌های خود، مجالی برای انتقال پیام به قصد فهماندن آن ایجاد نموده است که به وسیله قرائن زبانی و برون متنی آشکار می‌شود. برای مثال در آیه ۲۹ سوره یوسف، لحن تلطیف در ابتدای کلام از طریق قرینه مشافهه و خطاب به دست می‌آید(معرفت، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۶۴). لحن کلام در قرآن در دلالت الفاظ تأثیر می‌گذارد و معنای سخن را تعیین می‌نماید(هاشمی آشتیانی، رحمان‌ستایش و مهدوی‌راد، ۱۴۰۱، ص ۳) برای مثال آیات ۱ تا ۵ سوره نبأ، لحن عبارات تهدیدی است و همین تهدید بر اینکه سؤال‌کنندگان،

مشرکان منکر معاد بوده‌اند، نه مؤمنان و نه عموم مشرکان و مؤمنان قرینه است (طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۲۰، ص ۱۶۰). لحن گفتار در قرآن، از جمله موضوعاتی است که نمود بارز ویژگی شفاهی و سبك گفتاری در متن قرآن است(معرفت، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۴۹). در واقع، لحن نوعی موسیقی درونی در کلام قرآن است که احساس‌شدنی است. این موسیقی در تار و پود الفاظ و در ترکیب درون جمله‌ها، نهفته است(سیدقطب، بی‌تا، ص ۹۳).

قرآن برای انتقال حقایق از ابزارهای زبان عربی به‌گونه‌ای استفاده کرده است که بیان فطری انسان را مورد هدف قرار داده است؛ یعنی از نوع استفاده قرآن از این ابزارها، می‌توان به شناخت بیان در انسان پی برد. بخش‌های کلام در قرآن، ویژگی‌های مختص به خود را داراست. با استفاده از ساختار کلام قرآن، می‌توان به مؤلفه‌های بیان در انسان دست یافت؛ مؤلفه‌هایی که وجود آن‌ها به امکان هدایت انسان و تقویت آن‌ها به شکوفایی انسان می‌انجامد(اخوت و قاسمی، ۱۴۰۰). عربی بودن قرآن با فطری بودن این کلام، ملازم است و این امر موجب افزایش قدرت اثرگذاری آن می‌شود. کلام عربی در پیدایش خود مراحلی را طی می‌کند. این مراحل از مقاصد متکلم شروع می‌شود و به صورت القایی جریان می‌یابد و با لحنی مشخص ابراز می‌شود(اخوت، ۱۳۹۶، ص ۶). انتقال خصوصیات القا و لحن به انسان موجب می‌شود تا ضمن کشف اثر آن‌ها، این دو مؤلفه کلام را به شکل صحیح و آگاهانه و مؤثر به کار برد(اخوت و قاسمی، ۱۴۰۰، ص ۶۹). مؤلفه القا و لحن می‌تواند در این ساختار، یکی از مهم‌ترین موضوعات در عرصه تعلیم و تزکیه قرار گیرد که بیش از همه متعلق به زمانی است که کودك به ظاهر فاقد قدرت تکلم و فهم کلام است و این، در حالی است که اظهار دوستی و محبت، با نوازش و القای عواطف به کودك از طریق به‌کارگیری انواع لحن، از مهم‌ترین وظایف والدین در این دوران محسوب می‌شود(اخوت، ۱۳۹۶، ص ۴۷).

در توضیح القا می‌توان گفت که موجودات در انعکاس وجودی که از هستی‌آفرین دریافت کرده‌اند، دارای آثاری حیاتی هستند. در نتیجه رویارویی مخلوقات با هم و به واسطه اثرگذاری که بر هم دارند، مفهومی به نام القا شکل می‌گیرد. القا یعنی چیزی یا شخصی را با چیزی یا شخص دیگری، رویارویی دادن تا اثری را دریافت کند(اخوت و قاسمی، ۱۳۹۶a،

ص ۵۶). چگونگی انتقال کلام، دامنه‌ای وسیع دارد که متناسب با هر موقعیت و هر کلامی است. القا یکی از راه‌های این انتقال است که به شکل رفتاری صورت می‌گیرد و الفاظ در آن نقشی ندارد(اخوت و قاسمی، ۱۴۰۰، ص ۴۲). با توجه به آیات قرآن، انسان هم القاکننده و هم القاشونده و هر باور و رفتاری در انسان، خواسته یا ناخواسته دارای آثار القائی بر خود و دیگران است(اخوت و قاسمی، ۱۳۹۶a، ص ۳۵).

در توضیح لحن نیز باید گفت شکل‌گیری شناخت در انسان، وابسته به لحن است و اولین مرحله ادراک و فهم در انسان، با دریافت لحن اتفاق می‌افتد. لحن، ایجادکننده کلام است که می‌تواند هم‌راستا یا نا هم‌راستا با متن و محتوای کلمه‌ها و جمله‌ها باشد. آنچه لحن را می‌سازد، حالت‌های درونی انسان نسبت به موضوع کلام است(اخوت و قاسمی، ۱۴۰۰، ص ۵۲). آنچه در پس زمینه هر کلامی انتقال‌دهنده مقصد متکلم است، لحن کلام اوست. لحن مهربانانه، انتقادی، دوستانه، خصمانه، از روی ضعف، از روی قوت و ... مواردی هستند که کلام در هر حالتی از آن‌ها بهره‌مند است و می‌تواند به مقصد کلام، جهت مثبت یا منفی بدهد. حالت القایی کلام با لحن آن مشخص می‌شود و در حقیقت لحن به عنوان روح جاری در کلام، عهده‌دار نفوذ در دل مخاطب است(اخوت، ۱۳۹۶، ص ۶۲).

لحن کلام تعیین‌کننده جهت آن است و می‌تواند طیب یا خبیث باشد. بسیاری از گفتگوهای ناشایست به ظاهر دارای الفاظ خوب هستند، ولی با لحنی که دارند؛ به خباثت آلوده می‌شوند. از این‌رو اهمیت توجه به لحن گاهی از توجه به الفاظ طیب بیشتر است(اخوت و فیاض، ۱۳۹۵، ص ۹۶). برای بهره‌مند شدن از لحن طیب، چاره‌ای جز دوری از شناخت و پرهیز از لحن خبیث نیست. در قرآن و روایات بررسی کلمات «همز» و «لمز» که مربوط به سرزنش و طعنه است، در این خصوص قابل تأمل و بررسی است(اخوت و قاسمی، ۱۳۹۳، ص ۶۴). بخش مهمی از تعلیم و تزکیه یا تخریب آن نیز بر پایه القا صورت می‌گیرد. هر رویارویی دارای انواعی از القای مثبت یا منفی خواسته یا ناخواسته است. هر اندازه قدرت القاکننده (به وسیله تمرکز و توجه کافی، ارتقای نیت و اراده و ...) بیشتر باشد، این اثرگذاری بیشتر می‌شود (اخوت، ۱۳۹۶، ص ۶۶). در این میان عواملی نیز وجود دارد که می‌تواند القادهنده

کودک به فطرتش باشد که از جمله می‌توان به شنیدن تلاوت قرآن و اذان و اقامه و مشاهده نماز خواندن والدین توسط کودک در محیط خانه اشاره کرد.

سیر تحول اثرگذاری لحن و القای طیب و غیر طیب برکودک در دو نمودار زیر قابل مشاهده است:

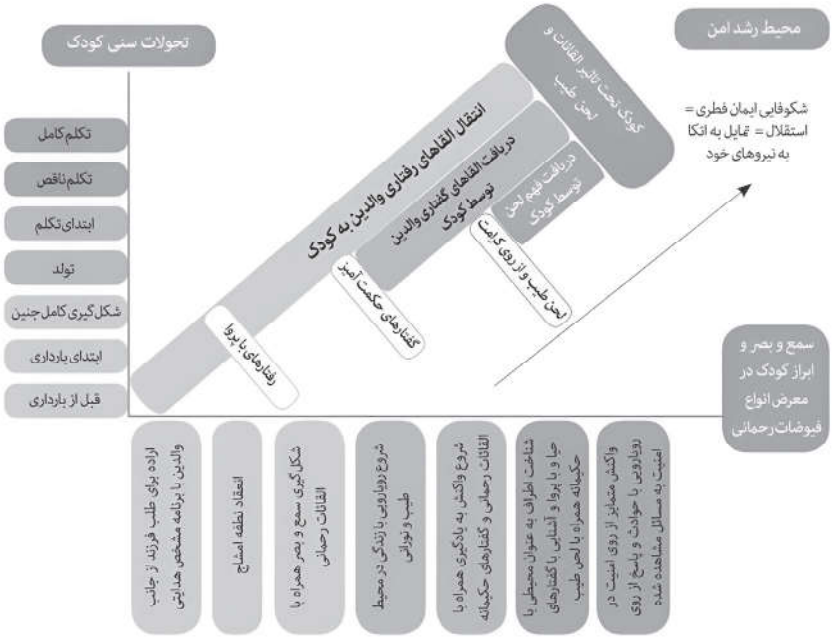

نمودار ۱: ویژگی‌های محیط رشد امن (اخوت، ۱۳۹۶، ص۶۲)

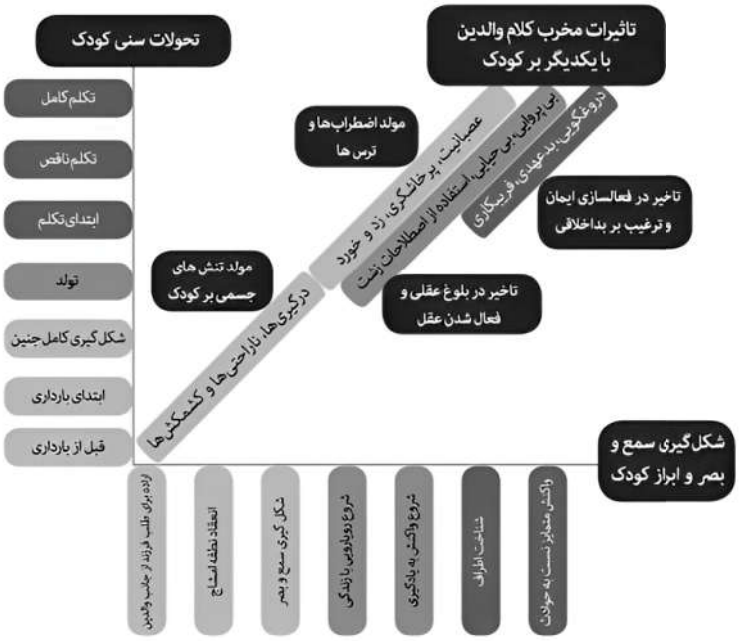

نمودار ۲: ویژگی‌های محیط رشد ناامن (اخوت، ۱۳۹۶، ص۶۲)

یکی از ویژگی‌هایی که خداوند به موجودات عطا کرده است، قدرت ابراز است. خداوند به موجودات اذن بروز عطا کرده و این بروز را منشأ اقتضاآفرینی و اثربخشی و تأثیرپذیری قرارداده است(اخوت، b۱۳۹۴، ص۵۳). برای برنامه‌ریزی در خصوص تعلیم در دوره اول رشد، لازم است سه نوع بروز انسان یعنی نطق و قول و کلام به صورت مجزا و سپس در ارتباط با هم مورد مطالعه قرار داد و به محدودیت‌ها و آسیب‌های وارد به هر یك نیز واقف بود(اخوت، ۱۳۹۲، ص۴۱). نطق، کلام و قول کودک، عوامل اصلی در چیدمان اصول و مهارت‌های تربیتی دوره اول رشد و از ابزارها و دارایی‌های کودك هستند که با محوریت قرار دادن طیبات باید تأدیب شوند و شکل گیرند(اخوت و فیاض، ۱۳۹۵، ص۱۱).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان، امکانی است که برای آشکار شدن درونیات خود دارد. به واسطه این امکان است که نیازها و باورهای فرد، خواسته یا ناخواسته ابراز و در این وضعیت، فرد شناخته می‌شود. از این ویژگی انسان می‌توان به نطق تعبیر کرد(اخوت و قاسمی، ۱۴۰۰، ص۴۵). در

ابتدای زندگی، نطق آگاهانه نیست. سپس با گذشت زمان و با تقویت علم به تدریج نطق در انسان آگاهانه می‌شود و هر قدر آگاهی او نسبت به اطراف افزایش یابد، نطق او نیز توسعه می‌یابد(اخوت، ۱۳۹۲، ص ۵۲). کلام به معنای انتقال پیامی به مخاطب به وسیله تألیف کلمات و با قصد مشخص است. بنابراین وسیله‌ای برای نطق محسوب می‌شود و به وسیله آن می‌توان معنایی را قصد کرد و به مخاطب رساند(همان، ص ۵۴). کلام به شکل گزاره در انسان استقرار می‌یابد و در واقع با حذف متکلم و مخاطب امکان ثبت و حفظ می‌یابد که در این صورت دیگر به آن کلام گفته نمی‌شود و می‌توان از آن به قول تعبیر کرد که همان پیام‌های ثبت‌شده در فرد است که به شکل ابراز باورها خود را نشان می‌دهد و در انسان نقش‌آفرینی می‌کند و گاه به شکل رفتار و گاه به شکل صفات و حتی به شکل کلام و گفتار خود را آشکار می‌کند(اخوت و قاسمی، ۱۴۰۰، ص ۶۰). بنابراین قول بر هر قصد و اراده‌ای که اظهار می‌شود و نوعاً بر باوری استوار است، اطلاق می‌گردد. از بین سه توان ذکرشده، قول نقش واسطه را ایفا می‌کند؛ به نحوی که از سویی می‌تواند معلوم‌کننده نطق باشد و از سوی دیگر می‌تواند به کلام تبدیل شود(اخوت، ۱۳۹۴b، ص ۴۳).

انسان که از طفولیت زندگی خود را آغاز می‌کند، در معرض انواع رفتارها و گفتارها و به طور طبیعی مخاطب خانواده و محیط قرار می‌گیرد. اگر چه بسیاری از مواردی که انسان با آن روبه‌رو می‌شود، در ظاهر از جنس کلام نیست؛ ولی به طور تکوینی طفل را در مواجهه با نوعی کلام قرار می‌دهد. این کلام محیطی و کلی که برگرفته از واکنش‌های اطرافیان (نطق)، باورها و اعتقادات آن‌ها (قول) و گفتگوهای آنان با کودک (کلام) است، ممکن است حق یا باطل یا ممزوجی از آن باشد که در هر صورت به ارتباط کودک با دیگران و محیط وابسته است و از آن تأثیر می‌گیرد(اخوت و قاسمی، ۱۴۰۰، ص ۱۶۸). در کلام بشری، متکلم با کلام مقاصد درونی خود (نطق) را بیان می‌نماید و از این طریق نطقی را در مخاطب برانگیخته می‌کند که بیان‌کننده درونیات مخاطب و واکنش او نسبت به رخدادی است. در این اظهار کلام، متکلم اعتقادات و منویات خود را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد؛ بدین ترتیب در هر کلام بشری افزون بر کلام، نطق و قولِ متکلم و مخاطب نیز آشکار می‌شود. به طور طبیعی هر نطقی با حواس ظاهری و باطنی مرتبط و هر قولی نیز با قلب و باورهای درونی مرتبط است؛ بدین ترتیب

در طبـع هـر کلامی چه برای متکلم و چه بـرای مخاطب، ارتباط با حواس ظاهری و باطنی و نیز ارتباط هر دو با قلب‌هایشان که مرکز ادراکات و عواطف آن‌هاست؛ امری معلوم و بدیهی اسـت(اخوت، ۱۳۹۶، ص ۶). غایت یا نهایت رشـد در هفت سال اول، هدایت نطق و تعلیم کلام به‌گونه‌ای اسـت که زمینه رشـد بهتـر در دوره‌های بعد را فراهم کند؛ نطقـی که توان فرد را در تفکـر تفصیلـی و متمایـز دیدن موضوعات فراهـم و کلامی که قابلیت بیـان درونیات را ایجاد کند و زمینه‌ای برای شکل‌دهی به باورهای زیبا و توحیدی شود(اخوت و فیاض، ۱۳۹۵، ص ۴۴).

در زمینـه بررسـی اهمیت جایگاه لحن کلام در ابعاد مختلف رشـد کـودک، نحوه اثرگذاری لحن در کودک، بررسـی میزان این تأثیرات در سـنین مختلف و قابلیت‌ها و توانمندی کودک در ارائه لحن در کلام، پژوهش‌های متعددی در ایران و خارج از کشـور صورت گرفته اسـت. از جمله می‌توان به پژوهش زهرا پورعلی بازرگانی(۱۳۹۳) با عنوان «فرایند رشد کارکردهای آهنگ گفتار در کودکان پیش از دبستان فارسی زبان» اشاره کرد که در آن به منظور بررسی کارکردهای دستوری، تأکیدی و گفتمانی آهنگ در کودکان دو تا شش سال فارسی زبان، جملات مربوط به هر کارکرد از داده‌های به دسـت آمده، اسـتخراج شـده اسـت. نتایج در این پژوهش نشان دادنـد کـه کودکان در تمامی گروه‌های سـنی بـا میانگین سـنی ۲/۴، ۳/۶، ۴/۵ و ۵/۸ هنگام تولید گفتار از هر سه کارکرد دستوری، تأکیدی و گفتمانی آهنگ در گفتارشان بهره می‌برند.

پژوهش دیگری با عنوان «رشـد آهنگ کلام در کودکان دبسـتانی» توسـط پروانه پیماندار (۱۳۸۹)، رشـد درك آهنـگ کلام کـودکان در چهـار جنبـه کاربـردی، بـرش پـاره گفتـار، عاطفه و احساس، تعامل و کانون را مورد بررسی قرار داده است. یکی از نتایج این پژوهش، این است که کودك تا پیش از ورود به دبستان بخش عمده‌ای از توانایی درك آهنگ را به دست آورده است، امـا ایـن رشـد همچنان کامل نیسـت. همچنین از میـان جنبه‌های مختلـف درك کارکردهای آهنگ در سه مقطع اول دبستان، فقط درك آهنگ عاطفی کلام روندی رو به رشد دارد.

در پژوهش دیگری که توسط پیلار پریتو[1] (۲۰۱۸) صورت گرفته است، به بررسی «نقش لحن و آهنگ در توسعه زبان کودکان» پرداخته می‌شود و نشان می‌دهد که چگونه لحن می‌تواند به بهبود مهارت‌های زبانی و اجتماعی کمک کند.

1. P. Prieto

پیـرا فیلیپـی[1] (۲۰۲۰) در پژوهـش خـود با عنـوان «تأثیر لحن بـر انتقال احساسـات»، بیان می‌کنـد کـه لحـن می‌توانـد بـرای انتقال احساسـات مختلـف به طور مؤثـری نقش ایفـا کند. ضمـن اینکـه شـنوندگان کلام می‌توانند با اسـتفاده از لحن، احساسـات گوینـده را بهتر درک کنند. همچنین به این نکته اشـاره دارد که نحوه اسـتفاده از لحن برای انتقال احساسـات در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است.

آن فرنالـد[2] (۱۹۸۶) در مطالعـه‌ای بـه بررسـی قدرت لحـن و آهنـگ کلام، در انتقال اطلاعات معنی‌دار درباره نیت ارتباطی گوینده در گفتار خطاب به نوزادان و بزرگسالان می‌پردازد. این مقاله با عنوان «لحن و نیت ارتباطی در گفتار مادران با نوزادان» به دنبال پاسخ به این پرسش که آیا آهنگ گفتار حاوی پیام است؟. وی با مقایسه نمونه گفتار مادران در خطاب به بزرگسالان با خطاب به نوزادان به این نتیجه می‌رسد که الگوهای آهنگین گفتار به نوزادان، اطلاعات بیشتری نسبت به گفتار بزرگسالان ارائه می‌دهد و ممکن است به نوزادان نشانه‌های قابل اعتمادی از نیت ارتباطی گوینده بدهد. در زمینه این مؤلفه کلام، پژوهشـی که بر اسـاس سـاختار کلام در قرآن به صورت اختصاصی نقش القا و لحن را در سیر رشد کودک مورد بررسی و مطالعه دهد، یافت نشد. بدین ترتیب انجام این پژوهش ضمن نوآوری آن، در زمینه گسترش نظریات قرآن بنیان ضرورت دارد.

روش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی و در پی رسیدن به یک بینش معنادار از یک پدیده اسـت. روش تحقیـق بـه کار رفتـه در این تحقیق، آمیخته‌ای از سـه روش توصیـف، تحلیل و استنباط است. در این رویکرد، پژوهشگر یک گام فراتر رفته و در تلاش است به تفسیر آنچه که توصیف کرده بپردازد.(Maykut & Morehouse, 1994, p.122)

گرداوری داده‌ها توسط محقق به روش کتابخانه‌ای، از کتاب‌ها و پژوهش‌های مرتبط و به صورت هدفمند انجام گرفته اسـت. برای تحلیل داده‌ها طی جلسـاتی در قالب پنل نخبگان،[3] ضمن مورد بحث قرار گرفتن ابعاد و اهداف پژوهش، شاخص‌های استخراج شده توسط محقق،

1. P. Filippi
2. A. Fernald
3. Expert panel

تک به تک بررسی و اصلاح شد. اکسپرت پنل در معنای عام، گروهی از صاحب‌نظران پدیده مورد مطالعه است. این روش هم به عنوان روش اصلی و هم به صورت روش تکمیلی قابل استفاده است(قدیری، ۱۳۹۰، ص ۲۵). هدف یک پنل خبرگان، ارائه رویکردی انعطاف‌پذیر و محکم برای جلب ارزیابی‌های بی‌طرفانه از متخصصان یک حوزه است.(Maa & Hall & Barker, 2008. P.2)

پنل نخبگان پژوهش حاضر متشکل از روان‌شناسان عضو هیئت علمی دانشگاه‌های تهران، الزهرا و فردوسی به همراه دو تن از متخصصین علوم قرآنی که بر مبانی منظومه رشد قرآنی تسلط دارند، است. همچنین مؤلف و پژوهشگر مجموعه کتب منظومه رشد قرآنی، در این پنل حضور مستمر و مؤثر داشتند. بدین ترتیب مراحل زیر تحت نظر و تأیید پنل معرفی شده، برای تحقق هدف پژوهش طی شد:

۱. بررسی مفهوم کلام و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن بر اساس ساختار کلام قرآن، به عنوان شاخص ارزیابی رشد در دوره اول (بر مبنای منظومه رشد قرآنی)؛

۲. بررسی جایگاه و اثرات دو نوع طیب و غیر طیب القا و لحن، بر نطق و قول و کلام کودک در سه مقطع (با توجه به روند تحول اثرات این مؤلفه)؛

۳. استخراج شاخص‌های رشد و نواقص رشد کودک بر اساس مبانی پژوهش در زمینه مؤلفه القا و لحن در کلام.

بر اساس مطالب مطرح‌شده آنچه کودک به عنوان کلام در معرض آن است، نطق و قول و کلام او را شکل داده است و بر آن اثرات متعددی خواهد گذاشت. بر این اساس پژوهشی که بر اساس ساختار کلام در قرآن به صورت اختصاصی نقش لحن و القا را در سیر رشد کودک مورد بررسی و مطالعه دهد، یافت نشد. بدین ترتیب این پژوهش از این زاویه نگاه جدیدی به مؤلفه‌های ساختار کلام دارد و به تبیین نقش منحصر به فردی برای این مؤلفه کلام در تعیین میزان رشدیافتگی کودک می‌پردازد.

پژوهش حاضر در میان مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ساختار کلام، با هدف بررسی اثرات مؤلفه القا و لحن کلام بر هیجانات، احساسات، عواطف، شناخت و رفتار کودک یا به بیانی کامل‌تر نطق، قول و کلام کودک صورت گرفته است و سؤال اصلی آن، این است که

شـاخص‌های رشـد و در مقابل کمبود رشد (نواقص رشـد) کودک در زمینه اثرات دو نوع کلی القا و لحن طیب و غیرطیب چه مواردی است؟

یافته‌ها

۱. چگونگی اثرگذاری لحن و القا در کلام بر روند رشد کودک

لحن‌هـای مختلف در کلام و القائـات موجود در گفتارها و رفتارهایی که کودک از ابتدای تولـد و حتـی در دوران جنینی در معرض آن قرار می‌گیرد، از مؤلفه‌های نقش‌آفرین در تعیین چگونگـی روند رشـد او محسـوب می‌شـود. ایـن مدعا بدین صـورت قابل اثبات اسـت که در مرحلـه اول، کـودک بیـش از هـر نیاز دیگری بـه امنیت احتیاج دارد و شـرط اولیه شـکوفایی توان‌هـای او و در ادامه قرار گرفتن در مسـیر رشـد حقیقی، پـرورش یافتن کودک در محیطی است که در آن احساس امن بودن دارد.

انتقال سهل عواطف والدین به کودک و دریافت کامل آن توسط او در بستری رخ می‌دهد کـه احسـاس امنیـت کـودک در آن تأمیـن شـده باشـد. بنابراین محیطـی کـه در آن القاهای گفتـاری و رفتـاری والدیـن در تعامل بـا کودک و لحن‌هایی که در کلام‌شـان بـه کار می‌گیرند، طیب باشد؛ این امنیت را برای کودک فراهم می‌آورد. در واقع امن شدن محیط زندگی کودک تحت تأثیر این دو عامل مهم است؛ به این صورت که محیط امن به وسیله لحن‌های طیب شـکل می‌گیرد و در مقابل، محیط زندگی کودک با جریان داشـتن لحن‌های غیر طیب ناامن می‌شود که در ادامه دریافت عواطف والدین را توسط کودک خدشه‌دار می‌کند. امن یا ناامن شدن محیط رشد کودک، در میزان و نحوه به کارگیری او از سمع و بصری(نحل: ۷۸)[۱] که اولین و مهم‌ترین توانی اسـت که خداوند در اختیار هر انسـانی از بدو تولد می‌گذارد، اثر مسـتقیم دارد. میزان رجوع کودک به فطرت و بیدار و فعال ماندن آن نیز متناسب با به‌کارگیری صحیح سمع و بصر در مسیر دریافت و درک حقایق هستی است.

از طرفـی به‌کارگیری لحن‌های طیب که امن شـدن محیط رشـد کـودک را به همراه دارد، باعث می‌شود او مجال این را بیابد که به خود و توانایی‌هایی که خدا در اختیار او قرار داده

۱. ﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾.

است، اطمینـان کنـد و در ادامـه در امور زندگی به اسـتقلال کافی برسـد و توان‌هـای خود را در مسـیر درسـت به کار گیرد. این اعتماد کودک به خود و والدینش، در نهایت زمینه ایجاد اعتماد و حس ظن به پروردگار را فراهم می‌آورد و همین امر در ادامه بر شـکل‌گیری و تقویت ایمان کودک به خدا نقش اساسی دارد.

این مسـئله قابل توجه اسـت که به دلیل اینکه کودک در دوره اول رشـد به شـدت تحت تأثیر حواس خود اسـت و هر آنچه را از طریق آن‌ها دریافت می‌کند، بدون داشـتن هیچ‌گونه تحلیلـی مبنـای عمـل خـود قـرار می‌دهد، بـا قرار گرفتـن در معرض لحـن و القـای غیر طیب بسـیار اثـر می‌پذیرد و ممکن اسـت آسـیب‌های جبران‌ناپذیـری را پذیرا باشـد. بدین ترتیب لحن و القای کلامی که کودک در طول دوره اول رشد خود با آن مواجه است، می‌تواند ضمن اثرگذاری بر عواطف او، جهت‌گیری بروزات او، افکار و اعمالش نقش داشته باشد و در نهایت سبب رشدیافتگی او یا در مقابل ایجاد آسیب‌ها و نواقصی در مسیر رشد او شود.

۲. ترتیب سطوح اثرگذاری القا و لحن

بـرای بررسـی اثـرات القا و لحن بر روند رشـد کـودک، توجه به این نکته ضروری اسـت که سطح اثرپذیری کودک در مقاطع مختلف زندگی از این مؤلفه کلام، به طور یکسان و یکنواخت نیسـت. اثرگـذاری القـا بـر کودک و میـزان فهم و درک کـودک از انواع لحـن در کلام، از ابتدای تولد تا دورانی که به صورت کامل توان سخن گفتن می‌یابد، متغیر است. این امر بیانگر این نکته اساسی است که کودک در مقاطعی، اثرات متمایزی از القا و لحن کلام اطرافیان خود را دریافت می‌کند. هر چند سـیر این اثرگذاری می‌تواند بر اسـاس تفاوت‌های فردی و متفاوت بودن سطح توانایی‌های کودکان با یکدیگر تقدیم یا تأخر داشته باشد و برخی این مراحل را زودتر و برخی دیرتر طی کنند، اما ترتیب این سیر در همه کودکان ثابت است.

مرحلـه اول: کـودک در آغاز از کلام والدین و اطرافیان خـود، تنها از نحوه رفتارهای آن‌ها اثر می‌پذیرد. در واقع اثرات القایی رفتارها به کودک منتقل می‌شود. برای مثال اگر مادر یک جمله را که دارای الفاظ ناشایسـت اسـت و مفهوم ناراحت‌کننده‌ای دارد، با چهره‌ای خندان و بـا لحنـی صمیمـی و مهربانانـه به کـودک خود بیـان کنـد؛ درون کودک حس خوشـایندی

ایجـاد می‌شـود و به مـادر خود با لبخنـد عکس‌العمل نشـان می‌دهد، با اینکه ممکن اسـت جملـه مذکـور حاوی کلماتی توهین‌آمیز یا خالی از محبت باشـد. بالعکس اگر مادر بهترین و محبت‌آمیزترین کلمات را با چهره‌ای عبوس و صدایی بلند و خشمگین به کودک بیان کند، بـه سـرعت در او اثـر منفی می‌گذارد و حتی ممکن اسـت به گریه کودک منجر شـود. بنابراین در اولین مرحله، رفتارهای والدین و اطرافیان است که اثرات القایی در کودک دارند. رفتارها حتـی ممکن اسـت به صورت ناخواسـته و زمانـی که کودک مخاطب آن نیسـت، در او اثرگذار باشـد؛ مانند زمانی که کودک شـاهد مشاجرات والدین خود اسـت و چهره‌های خشمگین و صدای بلند آن‌ها در او ایجاد احساس ناامنی می‌کند. افزون بر این، انواع رفتارهای گناه‌آلود در فضـای خانـه و خانواده اثرات القایی منفی بر کودک خواهد داشـت. در این مرحله اثرات القا و لحن کلام محیط، در نطق کودک نمایان می‌شود و می‌توان با بررسی و ارزیابی چگونگی نطق او، به طیب یا خبیث بودن القا و لحن کلامی که در معرض آن بوده پی برد.

مرحله دوم: به تدریج با کامل‌تر شدن دایره لغات کودک و یادگیری معنا و مفهوم کلمات در طول تجربیاتی که کسب می‌کند، کودک می‌تواند افزون بر دریافت القاهای رفتاری، معنای جملات را دریابد. در ادامه مثال بالا کودک افزون بر اینکه از چهره بشـاش و صدای آرام مادر لـذت می‌بـرد، اگـر مادر در انتخاب کلمات خـود الفاظ زیبا حاوی معانی سـاده و قابل فهم و محبت‌آمیـز را در کلام خـود بـه کار ببـرد؛ اثرگذاری بیشـتر و عمیق‌تر لحن کلام بـر کودک را به همراه دارد. در این مقطع افزون بر نطق کودک، قول او که نوعی باورهای شـکل‌گرفته در او و بنای عملکرد کودک است، نیز می‌تواند اثرات القا و لحن کلام محیط را در او به نمایش بگذارد.

مرحلـه سـوم: کـودک رفته رفتـه به این قابلیت می‌رسـد که انواعی از لحن‌هـا را از یکدیگر تفکیک کند و تنوعی از لحن‌ها را با توجه به مقصودی که دارد، به کار ببرد. افزون بر تفکیک و تشـخیص انـواع لحن‌هـا از یکدیگر، کودک به این توان می‌رسـد که پیامـی اختصاصی از هر لحن را دریافت کند و سـطح درک خود را از هر کلام بالا ببرد. بدین صورت که کودک در پس هر کلام افزون بر دریافت القائات موجود در نوع رفتارها و فهم معانی گفتارها، گزاره‌هایی را نیز از کلامی که شنیده است، برای خود تولید و برداشت می‌کند. این مرحله سطح پیچیده‌ای از

اثرات لحن را به همراه دارد؛ زیرا کودک از کلامی که در معرض آن قرار گرفته است، مجموعه‌ای از القائات رفتاری، گفتاری و معانی فراتر از آن را درک می‌کند که هر کدام می‌تواند تغییرات عمیقی را در کودک ایجاد کند. برای مثال اگر پدر با فریاد و تکان دادن سریع دست‌ها در مقابل فرزندش که اشتباهی را مرتکب شده است، با استفاده از کلمات نامناسبی کلامی را بیان کند؛ کودک ضمن اثر گرفتن از نحوه رفتارهای پدر و گفتار او، چنین گزاره‌ای را دریافت می‌کند که انسان خطاکاری است، پدرش او را دوست ندارد، مورد احترام او نیست و ... . این گزاره‌ها به تدریج به صورت باورهایی در خاطر کودک ثبت می‌شود که در ادامه در هر موقعیتی متناسبی، به آن‌ها رجوع می‌کند و تصمیمات و رفتارش بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرد. افزون بر نطق و قول، کلام کودک که شامل همه رفتارها و گفتارهایی است که دیگران را مورد خطاب قرار می‌دهد و در واقع نمایان‌کننده نطق و قول کودک است، نیز به خوبی در این مقطع نشان‌دهنده اثرات القا و لحن کلام محیط بر اوست.

۳. شاخص‌های رشد و نقص در رشد کودک در حوزه و القا و لحن

با توجه به اینکه القا و لحن کلام در دو دسته طیب و غیر طیب تفکیک می‌شود، می‌توان در پی ایجاد سهولت در دریافت عواطف والدین توسط کودک و قرار گرفتن او در محیط رشد امن به وسیله القائات و لحن‌های طیب و زیبا، شاخص‌هایی برای رشد تعیین کرد. در مقابل در پی دریافت‌های نادرست از محیط و ناامن شدن محیط رشد کودک، به دلیل وجود القائات و لحن‌های نامناسب و غیرطیب، شاخص‌هایی برای نقص (به معنی کمبود) در رشد کودک به منظور تشخیص و مشاهده سطوح اثرگذاری لحن و القا بر کودک، به صورت عینی و مدرج استخراج نمود.

لازم به ذکر است سیر یادگیری و فهم کلام با توجه به قابلیت‌ها و توانمندی‌های هر کودک در زمینه زبان دریافتی و بیانی، سیر متفاوت اما صعودی دارد؛ یعنی هر چه کودک از ابتدای باز شدن زبانش به کلام، به دوره پیش دبستانی نزدیک می‌شود، توان او در تکلم و فهم آن بیشتر و شاخص‌ها دقیق‌تر و مشهودتر و در نتیجه، امکان بررسی و اندازه‌گیری آن‌ها بیشتر فراهم می‌شود. در اصل، رشد یا ایجاد نقصان و کمبود در روند رشد کودک به صورت تدریجی

صورت می‌گیرد. در صورتی که کودک به دلیل قرار داشتن در فضای نامطلوب تربیتی و عدم توجه والدین به نحوه کلام‌شان در محیط خانه و تعامل با کودک، در مسیری قرار بگیرد که با انواع القائات و لحن‌های نامطلوب و غیرطیب مواجه شود؛ با افزایش سن، نواقص رشدی او وسعت پیدا می‌کند و در کنار نواقص رشدی دیگر در سایر مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ساختار کلام، پیچیدگی بیشتری می‌یابد و طبیعتاً رفع و جبران آن دشوارتر خواهد شد.

از آنجایی که ابعاد روانی کودک شامل جنبه‌های مختلفی است که هر کدام نقش مهمی در رشد و توسعه شخصیت او دارند، به منظور مشاهده، بررسی و ارزیابی دقیق و عمیق روند رشد در زمینه مؤلفه القا و لحن، شاخص‌های رشد و نقص رشد در سه بعد هیجانی ـ عاطفی، شناختی و رفتاری در کودک از یکدیگر تفکیک می‌شود و در ساحت سه توان نطق، قول و کلام به عنوان سه توان رشدی او مطرح می‌گردد؛ هر چند در دوره اول رشد، این ابعاد به هم پیوسته هستند و هر کدام می‌توانند بر دیگری تأثیر بگذارد. در جدول زیر شاخص‌های رشد و نواقص رشد کودک در زمینه مؤلفه القا و لحن بیان شده است.

جدول ۱: شاخص‌های رشد و نقص رشد بر اساس مؤلفه القا و لحن در کودکی

مراحل تحول القا و لحن در کودک	توان‌های رشدی کودک	شاخص‌های رشد	شاخص‌های نواقص رشد
مرحله اول	نطق	کودک در مواجهه با والدین و مراقبین اصلی خود: آرام است. تمایل دارد به آغوش آن‌ها برود. لبخند می‌زند. بیقراری ندارد. حالتی از وابستگی نسبت به والدین دارد و از دور شدن آن‌ها غمگین می‌شود. شاد و پرانرژی است. نسبت به صوت‌ها و آواهای طیب واکنش مثبت دارد.	کودک در مواجهه با والدین و مراقبین اصلی خود: بیقرار است. از به آغوش رفتن آن‌ها خودداری می‌کند. بی‌تاب و غمگین است. نق می‌زند. رفتارهای پرخاشگرانه دارد. نسبت به در آغوش رفتن مقاومت می‌کند. نسبت به صوت‌ها و آواهای طیب واکنش منفی دارد یا هیچ واکنشی ندارد.

مراحل تحول القا و لحن در کودک	توان‌های رشدی کودک	شاخص‌های رشد	شاخص‌های نواقص رشد
مرحله دوم	نطق	از والدین درخواست بغل کردن می‌کند. نسبت به ارتباط با دیگران احساس ناامنی ندارد. نسبت به ارتباط با دیگران تمایل نشان می‌دهد. کودک خود را در آغوش والدین می‌اندازد. توان محبت کردن به وسیله بوسیدن والدین، نوازش کردن، نگاه محبت‌آمیز و رفتارهای مثبت به آن‌ها را دارد. کودک در مواجهه با لحن‌های غیرطیب از خود واکنش منفی نشان می‌دهد. کودک به انجام اوامر و نواهی والدین رغبت دارد.	از والدین اجتناب می‌کند. تمایلی برای ارتباط با دیگران ندارد. از غریبه‌ها ترس شدید یا چسبندگی شدید دارد. نمی‌تواند محبت خود را به دیگران ابراز کند. ناراحتی خود را از والدین با پرخاشگری و لجبازی نشان می‌دهد. نافرمانی دارد. کودک بی‌تاب و کم‌صبر است. نشانه‌های اضطراب در کودک مشهود است. ترس‌های غیر منطقی دارد.
	قول	کودک در مواجهه با والدین و مراقبین اصلی خود: چون با والدین خود انس دارد، آن‌ها را عامل امنیت و آرامش می‌داند. والدین خود را دوست دارد. علاقه خود را نسبت به آن‌ها به صورت ناقص در کلام نشان می‌دهد. نسبت به توانمندی‌های خود اطمینان دارد. خود را موجودی ارزشمند می‌داند.	کودک در مواجهه با والدین و مراقبین اصلی خود: حالت‌هایی از دوسوگرایی در محبت نسبت به والدین و دیگران دارد. در مورد اعتماد به دیگران و والدین حالتی دوسوگرایانه دارد. به دلیل وجود خاطرات منفی برای حرف‌های والدین اعتباری قائل نیست. مقابله با امر و نهی‌های والدین را دوست دارد.

مراحل تحول القا و لحن در کودک	توان‌های رشدی کودک	شاخص‌های رشد	شاخص‌های نواقص رشد
مرحل سوم	نطق	قدرت بروز عواطف خود را با استفاده از کلمات دارد. در بروز عواطف و هیجانات خود از انواع توان‌ها (رفتاری_ گفتاری) به درستی و به جا استفاده می‌کند. کودک باوقار و متین برخورد می‌کند. آرامش در کودک تثبیت شده است. نسبت به رفتارهای طیب مثل نماز و ... علاقه و رغبت نشان می‌دهد.	کودک به دلیل آستانه تحمل پایینی که دارد، تحریک‌پذیر است. کودک دچار پرخاشگری است. بی‌پروایی و جسارت در رفتارهای کودک قابل مشاهده است. کودک خود کنترلی لازم را در موضوعات مختلفی که نسبت به آن باید مراعات داشته باشد، ندارد (مانند پوشش، کلام، آداب اجتماعی و ...). در انجام کارهای روزمره خود اظهار ناتوانی و عجز دارد.
	قول	در کلام خود و دیگران انواع لحن طیب و غیر طیب را می‌شناسد. قدرت تمایز لحن خوب از غیرخوب را دارد. احساسات خود را به خوبی می‌شناسد و از هم تمایز می‌دهد. به دلیل القائات درست والدین، دلائل درستی برای انجام کارهایش دارد. برای رفتارهای درست مثل نماز اهمیت قائل است. کودک خود را در انجام کارهایش توانمند می‌داند.	کودک نسبت به خود بی‌اعتماد است. کودک نسبت به والدین خود و دیگران بدگمان است. کودک خود را ملزم نمی‌داند بر سر قول هایی که می‌دهد، بماند. کودک توانایی تحلیل‌های ساده عقلانی را ندارد. کودک نمی‌تواند نیت خیر افراد را در پس رفتارهایشان درک کند. برای کودک تمایزی بین لحن‌های طیب و غیر طیب ایجاد نشده است.

مراحل تحول القا و لحن در کودک	توان‌های رشدی کودک	شاخص‌های رشد	شاخص‌های نواقص رشد
مرحله سوم	کلام	کودک به خود و توانایی‌هایش اعتماد دارد. گزاره‌های درست درباره خود، والدین، دیگران و دنیا در کودک شکل گرفته است و با توجه به شرایط مختلف، توان رجوع به آن‌ها را دارد. کودک توانایی تحلیل‌های ساده عقلی (حالتی از محاسبه‌گری و تفکر ساده در کودک) را دارد. کودک بر اساس گزاره‌های درستی که در او شکل گرفته است، به خدا احساس خوشایندی دارد.	اوامر و نواهی والدین برای کودک بی‌اهمیت است. کودک خود را محترم و ارزشمند نمی‌داند. کودک نسبت به خدا احساس خوشایندی ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

برقراری ارتباط حسنه عاطفی با دیگران به‌ویژه فرزندان، یک هنر است که والدین باید برای کسب این مهارت بکوشند. رابطه عاطفی مطلوب در میان افراد جامعه، مهم‌ترین نقش را در زندگی انسان دارد و شاید بتوان گفت هیچ یک از تجارب زندگی انسان به اندازه روابط عاطفی والدین در رشد شخصیت سالم فرزند مؤثر نیست(دهقان نیری، ۱۴۰۰، ص ۶۶). در این زمینه توجه به القائات و انواع لحن‌های جاری در کلام توسط والدین، در تربیت کودک و در ادامه قرار دادن او در مسیر حقیقی رشد، نقش کلیدی و اثرات عمیقی دارد. بدین ترتیب این پژوهش در پی بازشناسی جایگاه مؤثر القائات و انواع لحن در روند رشد حقیقی کودک (رشد از منظر تعریف قرآنی آن) و ملموس و عینی کردن اثرات این مؤلفه کلام به واسطه استخراج شاخص‌های رشد و نقص رشد کودک به صورت جزئی و دقیق بود. بررسی دقیق‌تر رابطه بین لحن و عاطفه در کلام، نشان می‌دهد که لحن به عنوان یکی از عناصر مهم زبان، نقش بسزایی در انتقال عواطف و احساسات دارد. به طور خاص لحن می‌تواند نگرش و احساسات گوینده را نسبت به محتوای پیام ادبی منعکس کند و این امر به درک بهتر مخاطب کمک می‌کند(Dewaele & Pavlenko, 2004, p.6).

اگر کودکان از طریق لحن کلام، رابطه عاطفی عمیق با والدین خود را را حس کنند، به افراد بزرگسال سالمی تبدیل می‌شوند. آسیب‌ها در دنیای امروز به علت عدم تأمین نیازهای عاطفی اساسی شکل می‌گیرد. از میان نیازهای عاطفی اساسی، نیاز رابطه و پذیرش نیازی است که در آن عواطف نقش اصلی را بازی می‌کنند. احساسات والدین حتی زمانی که فکر می‌کنند آن‌ها را در کنترل خود دارند، از طرق زیادی با کودکان ارتباط برقرار می‌کند. اغلب ارتباط‌ها نه تنها به وسیله کلمات، بلکه به طرق غیر کلامی مثل زبان بدن، لحن صدا، رفتار و طرز نگاه کردن شکل می‌گیرند. این امر به نقش و اثرات القا نیز شاره دارد.

با توجه به نقش مبنایی حواس در شکل‌گیری اعمال کودک و ارتباط مستقیم لحن کلام با عواطف کودک، این مسئله می‌تواند سبک دلبستگی کودک به والدین به‌ویژه مادر را تحت‌الشعاع قرار دهد و تعیین‌کننده باشد. نظر به اینکه پژوهش‌های متعدد مؤید این

نکته است که ابراز محبت والدین به فرزندان و ایجاد دلبستگی ایمن در دوران رشد و تحول روانی، مهم‌ترین عامل سلامت جسمی و روانی کودك و عدم آن موجب ناهنجارهای سازشی و رفتاری و حتی جسمانی است(صدیقی ارفعی و نجاریان، ۱۳۹۰، ص ۱۶)، توجه به نوع لحن‌هایی که در ارتباط با کودک استفاده می‌شود؛ اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنین تعاملات مراقب ـ کودک و واکنش‌های مراقب به کودک، نقشی اساسی در شکل‌گیری دلبستگی کودک ایفا می‌کنند(اکبریان و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۹) که طبیعتاً این تعاملات، با انواع لحن‌هایی که در کلام والد با کودک جریان دار؛، در هم آمیخته می‌شوند و القائات رفتار، الفاظ، قالب‌های بیانی، تن صدا و زبان بدن مراقب را در سیطره خود قرار می‌دهند و در نهایت بر ایمن یا ناایمن شدن دلبستگی کودک اثر می‌گذارند. همچنین انواع لحن مورد استفاده توسط والدین، به نوع سبک‌های ارتباطی والدین با فرزندشان نیز گره می‌خورد و سبک ارتباطی مقتدرانه والدین، رابطه مثبت و معناداری با دلبستگی ایمن در فرزند دارد(زینالی، ۱۳۹۲، ص ۲۰).

انواع لحن با بهره‌گیری از آیات قرآن در چندین دسته قابل تقسیم‌بندی هستند؛ مانند لحن دعایی، پرسشی، تعجبی، امر و نهی، خبری، تشویقی، توبیخی و ... که ظهور هر کدام از انواع لحن در کلام متناسب با مقاطع زندگی کودک می‌تواند لحن‌های والدین را برای کودک متمایز کند(اخوت، ۱۳۹۶، ص ۶۸). هر کلامی دارای لحن است و لحن اثرات القایی دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت نفوذ کلام به واسطه لحن آن است. والدین می‌توانند انواع لحن‌های توبیخی، تشویقی، حمایتی، هدایتی و یادآوری و مانند آن را در فرایند تربیت خود به‌کار گیرند و بر آن تمرکز کنند(اخوت و فیاض، ۱۳۹۵، ص ۷۱). در طول دوران کودکی با تکیه بر چگونگی سخن گفتن پدر و مادر و یا هر فرد دیگری که با کودک در ارتباط است، می‌توان با تأثیرگذاری روی حواس، ادراکات و عواطف کودک، تفکر و تعقل او را در مسیر طیب سوق داده شود. استفاده از ظرفیت‌های القا و لحن کلام به عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری روی حواس و ادراک و عاطفه کودک، در این دوره قابل پیگیری است(اخوت و قاسمی، ۱۴۰۰، ص ۳۴). در این میان مادران در مقایسه با پدران، به دلیل اینکه مدت زمان بیشتری را با فرزندان خود سپری می‌کنند و رابطه محبت‌آمیز عمیقی بین آن‌ها حاکم است، می‌توانند با استفاده

از این ابزار، نقش متمایزی در توسعه عاطفی و ارتباطی کودکان خود ایفا کنند.

از آنجایی که تحقیقات نشان می‌دهد القا و لحن گفتار می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای افراد تأثیر بگذارد، بررسی این اثرات در دوره‌های دیگر رشد قابل پیگیری است. همچنین بررسی القا و لحن در فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف و اثرات متفاوت آن در روند رشد کودک موضوع دیگری است که پژوهش درباره آن می‌تواند نقش مهم این مؤلفه در کلام را هویدا کند. همچنین تدوین بسته‌های آموزشی بر این مبنا و بررسی اثربخشی آن بر متغیرهای مختلف و یا تنظیم پروتکل‌ها و مداخلات درمانی بر مبنای اصلاح القا و لحن کلام والدین می‌تواند بابی نوین در فرزندپروری و اصلاح سبک زندگی را بگشاید.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

۱. اخوت، احمدرضا(۱۳۹۲ش)، دوره‌های رشد تفکر اجتماعی: رشد، پیش از تولد تا آغاز تکلم؛ دوره ظهور و لایت و تأدیب؛ تهران: نشر قرآن و اهل‌بیت نبوت علیهم‌السلام.

۲. ـــــــــ (۱۳۹۳ش)، معناشناسی رشد، تهران : نشر قرآن و اهل‌بیت نبوت علیهم‌السلام.

۳. ـــــــــ (۱۳۹۶ش)، با کودکان خود طیب سخن بگوییم، تهران : نشر قرآن و اهل‌بیت نبوت علیهم‌السلام.

۴. ـــــــــ (۱۳۹۴aش)، فرآیندشناسی رشد، تهران : نشر قرآن و اهل‌بیت نبوت علیهم‌السلام.

۵. ـــــــــ (۱۳۹۴bش)، تدبر در هستی؛ تدبر در کلام، تهران: نشر قرآن و اهل‌بیت نبوت علیهم‌السلام.

۶. اخوت، احمدرضا و مریم ادیب(۱۳۹۸ش)، سند بایسته‌های تربیت کودک طیب، تهران: نشر قرآن و اهل‌بیت نبوت علیهم‌السلام.

۷. اخوت، احمدرضا و فاطمه فیاض(۱۳۹۵ش)، اصول و مهارت‌های تربیت کودک ۲ تا ۷ سال با رویکرد طیب‌گزینی، تهران: نشر قرآن و اهل‌بیت نبوت علیهم‌السلام.

۸. اخوت، احمدرضا و مریم قاسمی(۱۴۰۰ش)، تحلیل جایگاه کلام در ساختار انسان، تهران: نشر قرآن و اهل‌بیت نبوت علیهم‌السلام.

۹. ـــــــــ (۱۳۹۶bش)، ناس؛ مواجهه انسان با لقا و القای اثر، تهران: نشر قرآن و اهل‌بیت نبوت علیهم‌السلام.

۱۰. ـــــــــ (۱۳۹۶aش)، سند تعلیم و تزکیه، تهران: نشر قرآن و اهل‌بیت نبوت علیهم‌السلام.

۱۱. اسلامی، محرم(۱۳۸۴ش)، واج‌شناسی: تحلیل نظام آهنگ زبان فارسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۱۲. اکبریان فیروزآبادی، مهسا، علی بهاری و شهرام محمدخانی(۱۳۹۶)، «رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین و آسیب‌های کودکی ادراک شده فرزندان با سبک‌های دلبستگی بزرگسالی آن‌ها»، خانواده پژوهی، دوره ۱۳، ش ۱، ص ۴۵ ـ ۲۵.

۱۳. دهقان نیری، مهدیه(۱۴۰۰)، «طراحی بسته آموزشی تربیت عاطفی مبتنی بر کلام بر مبنای آموزه‌های اسلامی برای مادران دارای کودک زیر ۷ سال»، دانشگاه الزهرا علیهاالسلام، کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی.

۱۴. زینالی، علی(۱۳۹۲)، «تأثیر شیوه‌های تربیتی والدین بر نوع دلبستگی فرزندان»، خانواده پژوهی، دوره ۹، ش ۱، ص ۸۱ ـ ۶۳.

۱۵. صدیقی ارفعی، فریبرز و زکیه نجاریان(۱۳۹۰)، «مصادیق دلبستگی در روابط والدین و فرزندان با استناد به روایات اسلامی»، نشریه مطالعات اسلامی در تعلیم و تربیت، ش ۴، ص ۱۳۶ ـ ۱۱۱.

۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین(۱۳۹۱ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

۱۷. فرامکین، ویکتوریا، رابرت رادمن و نینا ام هیامز(۱۳۸۷ش)، درآمدی بر زبان‌شناسی همگانی، ترجمه علی بهرامی و سهیلا ضیاءالدین، تهران: انتشارات رهنما.

۱۸. قدیری، روح‌الله(۱۳۹۰ش)، بررسی و شناخت روش‌های مطالعه آینده، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

۱۹. قطب، سید ابراهیم حسین(بی‌تا)، التصویر الفنی فی القرآن ،؛ مصر: دارالشروق.
۲۰.کرد، نرگس، محمدرحیم شاهبداغی، سیده مریم خدامی، ماندانا نوربخش و شهره جلایی(۱۳۹۱)، «بررسی وابسته‌های آکوستیکی آهنگ گفتار و قابلیت فهم گفتار در کودکان کاشت حلزون شده و مقایسه آن با کودکان دارای شنوایی طبیعی»، مجله علمی پژوهشی توانبخشی نوین، دوره ۶، ش ۴، ص ۱۰ ـ ۱.
۲۱.کرین، ویلیام کریستوفر(۱۳۹۵ ش)، نظریه‌های رشد مفاهیم و کاربردها، ترجمه غلامرضا خوی‌نژاد و علیرضا رجایی، تهران: رشد.
۲۲. لوییس، ج.ف(۱۳۹۹ ش)، فرزندپروری با کفایت، تهران: ارجمند.
۲۳. وامقی، روشنک، فیروزه ساجدی، فریبا یادگاری و همکاران(۱۳۹۴)، «تدوین پروتکل مداخلات به هنگام در تأخیر تکامل گفتار و زبان کودکان خردسال: یک تجربه منحصر به‌فرد در کشور»، فصلنامه آرشیو توانبخشی، دوره ۱۶، ش ۴، ص ۲۷۰ ـ ۲۵۹.
۲۴. هاشمی آشتیانی، منصوره، محمدکاظم رحمان‌ستایش و محمدعلی مهدوی‌راد(۱۴۰۱)، «لحن گفتار خداوند و تأثیر آن در تفسیر قصص قرآن»، دوفصلنامه علمی پژوهشی آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، دوره ۴، ش ۱، ص ۷۹ ـ ۶۱.

ب. منابع لاتین

1. Ahmadsoltani, M. (2007). Contrastive analysis of English-Persian intonation. *Azad University-Tehran School of Medicine*.
2. Cutler, A., & Swinney, D. A. (1987). Prosody and the development of comprehension. *Journal of Child Language*, 14(1), 145-167. https://doi.org/10.1017/S0305000900012782
3. Dewaele, J.-M., & Pavlenko, A. (2004). Languages and emotions: A crosslinguistic perspective. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 25(2-3), 93-93.
4. Frota, S., & Butler, J. (2018). Early development of intonation. In P. Prieto & N. Esteve-Gibert (Eds.), *The development of prosody in first language acquisition* (pp. 145-164). John Benjamins Publishing Company. https://doi.org/10.1075/tilar.23.08fro
5. Johnson, E. K., & Seidl, A. (2009). At eleven months, prosody still outranks statistics. *Developmental Science*, 12(1), 131-141. https://doi.org/10.1111/j.1467-7687.2008.00764.x
6. Kim, S. (2016). The impact of soothing sounds on infant stress levels. *Journal of Child Psychology*, 45(3), 234-245.
7. Liu, L & Götz, A & Lorette, P & Tyler, M. D (2022). *How Tone, Intonation and Emotion Shape the Development of Infants' Fundamental Frequency Perception*. Frontiers in Psychology, 13, 906848. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.906848
8. Liu, L., Götz, A., Lorette, P., & Tyler, M. D. (2022). How tone, intonation and emotion shape the development of infants' fundamental frequency perception. *Frontiers in Psychology*, 13, 906848. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.906848

9. Maa, N., Hall, T., & Barker, T. (2008). Using an expert panel to empirically validate a requirements engineering mediation model. *Journal of Systems and Software*, 81(6), 1001-1012. https://doi.org/10.1016/j.jss.2004.06.004
10. Maykut, P., & Morehouse, R. (1994). *Beginning qualitative research: A philosophical and practical guide*. London: The Falmer Press.
11. Pronina, M., et al. (2021). Bridging the gap between prosody and pragmatics: The acquisition of pragmatic prosody in the preschool years and its relation with theory of mind. *Frontiers in Psychology*, 12, 1234. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.662124
12. Roach, P. (1947). *English phonetics and phonology*. Cambridge: Cambridge University Press.
13. Stones, E. (1979). *Reading in educational psychology*. London: Methuen.
14. Wells, B., Peppé, S., & Goulandris, N. (2004). Intonation development from five to thirteen. *Journal of Child Language*, 31(4), 749-778. https://doi.org/10.1017/S0305000904005869